

بررسی واژه‌های حوزه معنایی تلفن همراه

سمیه دوست‌محمدی (کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان)

با ورود هر علم و فناوری نوین به یک کشور، همراه با آن علم یا فناوری واژگان مربوط هم به زبان مردم آن کشور وارد می‌شود. با توجه به پویا بودن زبان، نیاز است که به‌طور پیوسته فرهنگ‌های جدید نوشته شود تا واژه‌ها و معنی‌های جدید در آن وارد شود. از دو دهه پیش فناوری نوینی به نام «تلفن همراه» به ایران وارد شده‌است، که همراه خود حجم زیادی از واژه‌ها را به زبان فارسی وارد کرده‌است. در طول این مدت برای تعدادی از آن‌ها معادل فارسی ساخته شده‌است، اما واژه‌های این حوزه در میان مردم کاربرد بیشتری دارد.

هدف از این پژوهش بررسی معناشناختی واژه‌های این حوزه معنایی است. به این منظور، با مراجعه به فرهنگ بزرگ سخن معنی‌های ازپیش موجود این واژه‌ها را با معنی جدید آن‌ها در زبان فارسی مقایسه و تحولات معنایی آن‌ها را ثبت کرده‌ایم. این واژه‌های جدید می‌توانند به‌صورت مدخل‌های جدید و معنی‌های جدید به‌صورت برش معنایی جدید وارد فرهنگ‌های زبان فارسی بشوند.

حوزه معنایی

یکی از قواعد سازمان‌بندی شده در مورد واژگان «حوزه واژگانی» (lexical field) است. حوزه واژگانی گروهی از واژه‌ها هستند که به فعالیت خاصی یا حوزه اطلاعات تخصصی تعلق دارند، مانند واژگان مربوط به آشپزی یا دریانوردی یا لغت‌هایی که پزشکان، کارگران معدن یا کوهنوردان به کار می‌برند؛ برای مثال، واژه «واج» (phoneme) در زبان‌شناسی یا واژه «گیگابایت» در مهندسی کامپیوتر.

کاربرد «حوزه واژگانی» در فرهنگ‌های لغت زمانی است که در مقابل مدخل واژگانی فرهنگ، حوزه استفاده این واژه نوشته می‌شود. مانند (زبان‌شناسی) یا (پزشکی). تأثیر «حوزه‌های واژگانی» در روابط معنایی این است که میان واژه‌های هم‌حوزه روابط معنایی مشترک زیادی وجود دارد (SAEED 2003, p. 63).

واحدهای هم‌حوزه مجموعه‌ای از واژه‌ها هستند که به لحاظ مؤلفه معنایی مشترکشان یک حوزه معنایی را تشکیل می‌دهند (صفوی ۱۳۸۵، ص ۱۰۷). هریک از این واحدها می‌تواند در حوزه‌های معنایی دیگر نیز امکان وقوع یابد و این موضوع به مؤلفه‌ای مربوط است که از مفهوم آن واژه انتخاب می‌شود. «اشتراک در یک شرط لازم، سبب طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه معنایی می‌شود» (صفوی ۱۳۹۰، ص ۱۹۰).

واژگان تلفن همراه

در ادامه واژه‌های عمومی این حوزه بررسی شده‌است. ابتدا معنای ازپیش‌موجود واژه به‌دست داده شده، سپس معنای جدید واژه آمده، و در پایان هر مدخل نوع تغییر معنایی واژه نام برده شده‌است.

آی‌دی‌کالر âydikâler [انگلیسی: Id caller] دستگاهی که به تلفن متصل می‌شود یا روی گوشی تلفن وجود دارد و شماره، نام یا مشخصات فرد تماس‌گیرنده یا شماره‌هایی که با آن‌ها تماس گرفته می‌شود را نشان می‌دهد (واژه قرضی).

ارسال ersâl [انگلیسی: sent] ۱. (عمل) فرستادن نامه، پیغام، هدیه، و مانند آن [به‌صورت

آنتن ânten [انگلیسی: antenna] ۱. وسیله‌ای به‌شکل میله، صفحه فلزی، و مانند آن برای پخش یا دریافت امواج رادیویی یا تلویزیونی. ۲. (تلفن همراه) افزاره‌ای برای دریافت یا ارسال امواج رادیویی از طریق تبدیل نشانک/سیگنال الکترومغناطیسی به الکتریکی و برعکس (گسترش معنایی).

برخوانی [barxâni] [انگلیسی: call] درخواست برقراری ارتباط با مقصد مورد نظر در شبکه مخابراتی (واژه‌سازی).

برون خط [borunxat] [انگلیسی: off-line] (تلفن همراه) وضعیت قطع ارتباط از رایانه مرکزی (واژه‌سازی).

بوق آزاد [buq(e)âzâd] [انگلیسی: dial tone] نشانک / سیگنالی که مرکز تلفن ارسال می‌کند تا آمادگی خود را برای دریافت شماره مورد نظر برخوان اعلام کند (واژه‌سازی).

بی صدا [bisedâ] [انگلیسی: silent] ۱. (صفت کسی) ساکت؛ خاموش، آرام. ۲. (تلفن همراه) وضعیت دستگاه تلفن (گسترش معنایی).

پله [pelle] ۱. مرتبه؛ مرحله؛ درجه. ۲. (تلفن همراه) برای بیان درجه شارژ باتری یا میزان آنتن‌دهی تلفن همراه (گسترش معنایی).

پیام payâm

پیام چندرسانه‌ای [انگلیسی: MMS

(multimedia message service)] (تلفن همراه) خدمات پیام چندرسانه‌ای (ترجمه قرضی).

پیام‌رسانی [payâmresâni] [انگلیسی: messaging] (تلفن همراه) برنامه دریافت و ارسال پیام در تلفن همراه (واژه‌سازی).

پیامک [payâmak] [انگلیسی: SMS (short message service)] (تلفن همراه) سرویس پیام کوتاه تلفن همراه (وام‌گیری).

پیام‌گیر [payâmgir] [انگلیسی: answering machine] دستگاه ضبط خودکار پیام‌های تلفنی (واژه‌سازی).

فیزیکی] برای کسی. ۲. (تلفن همراه) (عمل) فرستادن پیام یا مانند آن به صورت الکترونیکی یا از طریق امواج مخابراتی (گسترش معنایی).

ارسالی [ersâli] [انگلیسی: outbox] (تلفن همراه) مکانی برای نگهداری پیام‌نگارهایی که قرار است فرستاده شود (واژه‌سازی).

اشغال [e] [انگلیسی: busy] ۱. (وضع یا حالت) در اختیار گرفته شدن یا به تصرف درآمدن. ۲. (تلفن همراه) (کاربر) در حال صحبت با فرد دیگر و نبود امکان برقراری ارتباط برای کاربر ثالث (معنی مجازی).

انتظار مکالمه [entezâr(e)mokâlеме] [انگلیسی: call waiting] (تلفن همراه) خدماتی که کاربر با استفاده از آن می‌تواند به هنگام برخوانی، از دریافت برخوانی ورودی دیگری آگاه شود و در صورت تمایل با قطع برخوانی جاری به آن پاسخ دهد (واژه‌سازی).

انتقال enteqâl

انتقال تماس [divert] [انگلیسی: divert] از خدماتی که کاربر با استفاده از آن می‌تواند تماس‌های دریافتی یک خط را به خط تلفن دیگر منتقل کند (واژه‌سازی)

باتری پرکن [bâtriporkon] [انگلیسی: charger] افزاره‌ای که با انتقال انرژی الکتریکی به باتری آن را باردار می‌کند (واژه‌سازی)

برخط [barxat] [انگلیسی: on-line] (تلفن همراه) وضعیت یا حالت وصل بودن به رایانه مرکزی (واژه‌سازی).

از موقعیتی، کاری، یا مانند آن. ۲. (تلفن همراه) (عمل) پاک کردن چیزی، مانند پیام، فایل یا عکس از تلفن همراه (گسترش معنایی).
خط xat [انگلیسی: line] ۱. کتابت. ۲. (تلفن همراه) خط ارتباطی تلفن (گسترش معنایی).

خودپاسخ xodpâsox [انگلیسی: auto answer] امکانی در پایانه یا تلفن یا مودم برای برقراری ارتباط و درک پرسش و ارسال پاسخ لازم به مبدأ تماس (واژه‌سازی).
دسترس dastras, dastres

در دسترس بودن ۱. موجود یا در اختیار بودن. ۲. (تلفن همراه) امکان تماس با کسی (گسترش معنایی).

دست‌آزاد dastâzâd [انگلیسی: hands free] تلفنی که برای مکالمه نیازی به در دست گرفتن گوشی آن نیست (ترجمه قرضی).

دکل dakal [انگلیسی: mast] ۱. تیری عمود بر عرشه کشتی برای نگه داشتن بادبان و طناب‌ها. ۲. (تلفن همراه) دکل‌های مخابراتی (تغییر مدلول).

دکمه dokme [انگلیسی: bottom] ۱. وسیله‌ای کوچک از جنس پلاستیک، چوب، یا فلز که برای به هم بستن قسمت‌های مختلف لباس به کار می‌رود. ۲. (تلفن همراه) قطعات کوچک، معمولاً پلاستیکی که در روی موبایل یا صفحه‌کلید رایانه وجود دارد و با فشار دادن آن کاری انجام می‌شود یا فایل و برنامه‌ای باز می‌شود (گسترش معنایی).

دندان آبی dandân âbi [انگلیسی: bluetooth] (تلفن همراه) استاندارد آزاد برای انتقال یا ارسال کوتاه‌برد آوا و داده‌های رقمی که همراه با

تقویم taqvim [انگلیسی: calendar] ۱. وسیله‌ای به‌شکل جدول، دفتر، نمودار که حساب ماه‌ها، هفته‌ها و روزها را نشان می‌دهد. ۲. (تلفن همراه) تقویم در محیط مجازی گوشی تلفن (گسترش معنایی).

تلفن telefon [فرانسوی: telephone] (اسم) **تلفن همراه** تلفن سیاری که از طریق امواج ارتباط برقرار می‌کند (افزایش معنایی).

تنظیمات tanzimât [انگلیسی: settings] ۱. قوانین و امور دارای نظم. ۲. (تلفن همراه) بخشی که در آن برنامه‌های تلفن همراه نظم و ترتیب پیدا می‌کند (گسترش معنایی).

ثبت sabt **ثبت تماس** [انگلیسی: log] ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به رویدادهای یک شبکه همراه با ثبت جزئیات آن برای روشن شدن جزئیات فعالیت‌های یک سامانه (واژه‌سازی).

جی‌پی‌آراس jipi'âr'es [انگلیسی: GPRS] خدمات، فناوری یا استاندارد در حوزه ارتباطات داده‌ای بی‌سیم که به انتقال بسته‌های داده مربوط می‌شود و با سامانه جهانی ارتباطات سیار همساز است (وام‌گیری).

حافظه hâfeze [انگلیسی: memory] ۱. استعداد ذهن برای نگهداری، به‌یادآوری و بازشناسی آموخته‌ها و رویدادهای گذشته. ۲. بخشی از تلفن همراه که برای ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات از آن استفاده می‌شود (گسترش معنایی).

حذف hazf [انگلیسی: delete] (همراه با فعل «کردن») ۱. (عمل) کنار گذاشتن کسی یا چیزی

صفحه کلید [safhekelid: انگلیسی: key board] (تلفن همراه) مجموعه‌ای از کلیدهای نمایشگر حروف الفبا و نشانه‌های دیگر که بر روی یک صفحه قرار گرفته‌اند و به رایانه متصل می‌شوند و از آن برای ورود اطلاعات به رایانه استفاده می‌کنند (ترجمه قرضی).

صندوق sandoq

صندوق دریافتی [inbox: انگلیسی: inbox] (تلفن همراه) محیطی مجازی در تلفن همراه یا رایانه که پیام‌های دریافتی در آن ذخیره می‌شود (تغییر مدلول).

کد kod

کد قفل گشای شخصی [انگلیسی: PUK (personal unlocking key code)] (تلفن همراه) کدی که پس از سه بار ورود اشتباه شناسه، قادر به رفع مسدودیت از گوشی تلفن همراه است (ترجمه قرضی).

کلید [kelid: انگلیسی: key] ۱. وسیله‌ای معمولاً فلزی برای بستن یا باز کردن قفل. ۲. (تلفن همراه) هریک از قطعات کوچک، معمولاً پلاستیکی روی موبایل یا صفحه‌کلید رایانه که با فشار دادن آن کاری انجام می‌شود یا فایل و برنامه‌ای باز می‌شود (گسترش معنایی).

گالری [gâlerî: انگلیسی: gallery] (تلفن همراه) بخشی از گوشی تلفن همراه که فیلم، عکس و موسیقی در آن ذخیره می‌شود (وام‌گیری).

گزارش gozare

گزارش تحویل [delivery: انگلیسی: delivery] (تلفن همراه) پیغامی که برای آگاه ساختن کاربر از

دستگاه‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی به کار می‌رود (ترجمه قرضی).

ذخیره [zaxire: انگلیسی: save] ۱. آنچه برای نیاز آینده کنار گذاشته می‌شود؛ اندوخته. ۲. (تلفن همراه) یکی از زیرگزینه‌های پرونده که برای ذخیره کردن شکل موجود پرونده همراه با تغییر نام یا جای آن در حافظه به کار می‌رود (گسترش معنایی). ۳. ثبت شماره و نام کسی در تلفن همراه (واژه قرضی).

شماره‌گیری omâregiri

شماره‌گیری کوتاه [انگلیسی: speed dial]

امکانی در دستگاه‌های تلفن که به کاربر اجازه می‌دهد با شماره‌گیری یک رقم یا با اشاره به دکمه‌ای خاص بر روی دستگاه تلفن یا گوشی خود، شماره مقصد مکالمه را بگیرد، بی‌آنکه نیازی به شماره‌گیری عادی باشد (ترجمه قرضی).

شناس کارت [enâskart: انگلیسی: SIM card, subscriber identification module]

[SIM: subscriber identification module] کارتی که در داخل تلفن همراه قرار می‌گیرد و مشترک تلفن همراه را به شبکه تلفن همراه معرفی می‌کند (واژه‌سازی).

شناسه [enâse: انگلیسی: PIN (personal identification number)] ۱. در دستور زبان

بخش متغیر فعل که مفهوم شخص و تعداد را مشخص می‌کند. ۲. (تلفن همراه) رمزی که اگر آن را فعال کنیم، در هر بار روشن کردن دستگاه تلفن همراه، باید آن را وارد کنیم تا دستگاه کار کند (گسترش معنایی).

میس انداختن تک‌زنگ زدن (واژه‌سازی).
نافرجامی nâfarjami [انگلیسی: abort] ۱. فاقد پایان و عاقبت خوش. ۲. (تلفن همراه) (وضع یا حالت) به نتیجه نرسیدن ارتباط بر اثر عمل کارور یا واکنش خودکار دستگاه‌های برقرارکننده ارتباط، به دلیل وجود نوبه بیش‌ازحد یا خرابی یا ازدحام در خط انتقال (گسترش معنایی).

نگهداشت negahdâ [انگلیسی: call hold] (تلفن همراه) خدمتی که کاربر با استفاده از آن می‌تواند برخوانی جاری را حفظ کند و در صورت تمایل دوباره آن را از سر گیرد (واژه‌سازی).
نمایه‌ها namâyehâ [انگلیسی: themes] مجموعه گزینه‌های موجود در تلفن همراه که از طریق آن می‌توان عکس زمینه گوشی را انتخاب کرد یا تغییر داد (واژه‌سازی).

هشدار ho dâr [انگلیسی: alarm] ۱. عمل، سخن، یا نشانه‌ای برای آگاه کردن کسی. ۲. (تلفن همراه) برنامه‌ای در تلفن همراه که قابل تنظیم برای زمانی خاص است و ما را از رسیدن زمان مورد نظر آگاه می‌کند (گسترش معنایی).

رسیدن پیامش به کاربر دیگر، از طرف مخابرات ارسال می‌شود (واژه‌سازی)
گوشی gu i [انگلیسی: handset] (تلفن همراه) قسمتی از دستگاه تلفن شامل یک دسته و دو بخش سوراخ سوراخ که از یکی حرف می‌زنند و از راه دیگری می‌شنوند (واژه‌سازی).

لت lat **لت لمسی** [انگلیسی: touchpad] (تلفن همراه) قطعه کوچک حساس به تماس که به‌عنوان افزاره اشاره در برخی از رایانه‌های قابل حمل به کار می‌رود، و با حرکت انگشت یا شیء دیگری بر سطح آن، می‌توان اشاره‌گر را بر روی پرده نمایش به حرکت درآورد و با زدن ضربه‌ای بر آن، عمل تلیک کردن را انجام داد (واژه‌سازی).

مخاطبان moxâtabân [انگلیسی: contacts] ۱. (مخاطب) کسانی که دیگری با آنان سخن می‌گوید و روی سخنش با آنان است. ۲. (تلفن همراه) لیست اسامی افراد همراه با شماره تماس آن‌ها در تلفن همراه (واژه‌سازی).

میس mis [انگلیسی: miss]

نتیجه‌گیری

به دلیل جدید بودن فناوری تلفن همراه، هیچ‌یک از واژه‌های این حوزه معنایی منسوخ نشده‌اند.

بخش زیادی از واژه‌های این حوزه قرضی است، مانند «گالری» و «آی‌دی‌کالر». برخی واژه‌ها ترجمه قرضی هستند، مانند «دست‌آزاد»، «دندان‌آبی»، و «صفحه کلید». برخی واژه‌ها دچار گسترش معنایی شده‌اند، مانند «خط»، «کلید»، «دکمه»، و «پله».

برخی واژه‌ها و ترکیب‌ها را فرهنگستان زبان و ادب فارسی ساخته و تصویب کرده‌است، مانند «پیامک»، «مخاطب»، «برون‌خط»، و «برخط».
گاهی واژه‌هایی نو برای معادل‌های بیگانه واژه‌های تازه‌وارد ساخته می‌شود.

منابع:

آچسن، جین (۱۳۷۵)، اصطلاح‌نامه ارتباطات، اطلاعات، ترجمه عباس حرّی، عبدالحسین آذرنگ، با همکاری پروانه گودرزی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
دهخدا، علی‌اکبر (و همکاران) (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران.
صفوی، کورش (۱۳۸۵)، آشنایی با معنی‌شناسی، پژواک کیوان، تهران.
صفوی، کورش (۱۳۹۰)، درآمدی بر معنی‌شناسی، سوره مهر، تهران
فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۸۷-۱۳۹۲)، دفتر اول تا دهم، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

SAEED, John I. (2003), *Semantics*, Blackwell.



پروفیسر شہباز گل شاہ علموں انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علموں انسانی